

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

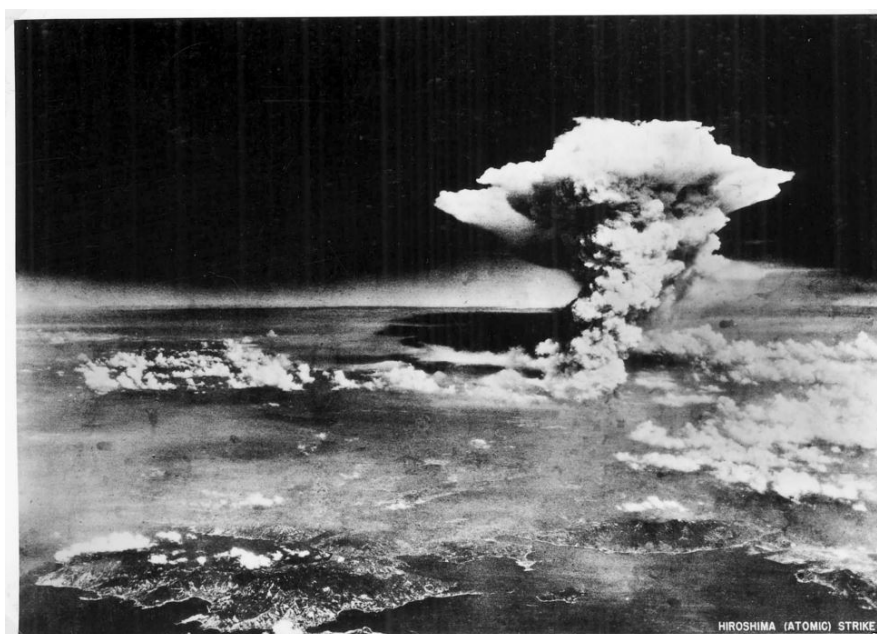
afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

بهرام رحمانی
۰۸ اگست ۲۰۱۵

هفتادمین سالگرد بمباران اتومی هیروشیما!



در هفتادمین سالگرد بمباران اتومی هیروشیما، در صبح روز ۱۵ مرداد ماه [اسد]، در مراسمی که برای یادبود آن برگزار شد، شینزو آبه، نخست وزیر جاپان و شهردار هیروشیما، خواستار نابودی سلاح‌های اتومی در سطح جهان شدند. نمایندگانی از صد کشور جهان در مراسم مربوط به بمباران اتومی جاپان در پایان جنگ جهانی دوم حضور داشتند.

در ششم ماه اگست، ارتش آمریکا بمبی اتومی بر هیروشیما انداخت و سه روز پس از آن بمبی دیگر در ناکازاکی. این تنها موارد استفاده از بمب اتومی در جریان جنگ، دست‌کم ۱۲۹ هزار کشته برجای گذاشت.

دانشمندان آمریکایی، با توجیه این که احتمال دارد آلمانی‌ها بمب اتومی بسازند و از آن استفاده کنند، به ارتش آمریکا کمک کردند تا بمب اتومی بسازد. اما آلمانی‌ها تا پایان جنگ نتوانستند به بمب اتومی دست یابند. البته نخستین بمب‌های آمریکا برای انفجار در اروپا بعد از پایان جنگ آماده شدند، زیرا جنگ هشتم می ۱۹۴۵ میلادی، یعنی حدود دو ماه پیش از نخستین آزمایش انفجار اتومی (در آلاموگوردو) پایان یافته بود. جاپانی‌ها از سپتامبر ۱۹۴۰ میلادی در پی

ساختن بمب اتمی بودند، اگر چه در این زمینه دانش بالائی داشتند، اما صنعت جاپان در شرایطی نبود که بتواند کمک چندانی به آن‌ها بکند. همچنین برخی تأسیسات مهم آن‌ها در بمباران هوائی سال ۱۹۴۵ میلادی ویران شده بود. برخی دانشمندان امریکائی با توجه به این که جاپانی‌ها تا دستیابی به بمب اتمی راه درازی داشتند، استفاده از چنین بمب را علیه آن‌ها غیراخلاقی می‌دانستند. اما ارتش امریکا اصرار به استفاده از آن داشت و برای ایجاد بیش‌ترین آسیب‌های روانی به منظور وادار کردن جاپان به تسلیم شدن، سعی داشتند این بمب‌ها بدون اخطار قبلی و بدون اعلام ماهیت آن‌ها به اهداف از پیش تعیین‌شده اصابت کند. اکنون زمان گزینش اهداف بود.



در نخستین فهرست، شهر تاریخی «کیوتو» پایتخت پیشین جاپان مورد نظر بود، اما برای کاهش برخی پی آمدها، از فهرست کنار گذاشته شد. برای نخستین بمباران، هیروشیما و برای بمباران بعدی، شهر صنعتی ککورا برگزیده شده بود. روز ۲۴ جون ۱۹۴۵ میلادی «هری ترومن» رئیس جمهور وقت امریکا دستور داد تا در اولین فرصت پس از سوم اگست که وضعیت هوا اجازه می‌دهد بمباران اتمی جاپان انجام شود. روز ۲۶ جولای به جاپان هشدار داده شد که

اگر تسلیم نشود ویرانی عظیمی در انتظارش خواهد بود اما سخنی از بمب اتمی به میان نیامد. برخی از بزرگان جاپان در خواست صلح کردند اما روز ۲۸ جولای نخست وزیر جاپان تهدید امریکا را غیرقابل قبول اعلام کرد.



سرانجام دوشنبه ششم اگست ۱۹۴۵ میلادی، یک هواپیمای بمبافکن بی ۲۹ ملقب به «انولاگی» که از جزیره «تینیان» برخاسته بود به همراه دو هواپیمای دیگر در ساعت هشت و پانزده دقیقه صبح به وقت جاپان چهار بمب تنی معروف به «پسر کوچک»، در بردارنده ۶۰ کیلوگرم اورانیوم ۲۳۵ را از ارتفاع ۹۴۸۰ متری روی هیروشیما که از آسمان به وضوح دیده می‌شد در بالای مکانی که امروز در آن «گنبد بمب اتمی» قرار دارد رها کرد تا ۴۳ ثانیه بعد در ارتفاع ۵۴۸ متری منفجر شود.

حمله اتمی به هیروشیما کاملاً برای جاپان نامنتظره بود جاپانی‌ها از این که امریکائی‌ها به بمب اتمی دست یافته‌اند بی‌خبر بودند. از سوی دیگر، وقتی رادارهای جاپانی ورود تنها سه هواپیما را به منطقه نشان دادند، بر این تصور بودند که این پروازها از نوع شناسائی هستند، زیرا بمباران مناطق، با تعداد انبوهی بمب افکن مرسوم بود.

مردمی که از دور دست انفجار «پسر کوچک» را در آسمان هیروشیما مشاهده کرده‌اند می‌گویند، خورشید دیگری را در آسمان دیده‌اند. از انفجار این بمب، انرژی عظیمی حدود انرژی حاصل از انفجار بیست هزار تن تی.ان.تی آزاد شده بود، که نیمی از آن به شکل فشار هوا مانند طوفان ناگهان (موج انفجار) ، یک سوم آن به شکل گرما و یک ششم دیگر به شکل تابش‌های آلفا، بتا، گاما و نوترونی در آمده بود.

در منطقه زیر مرکز انفجار، دما تا چند هزار درجه سانتی‌گراد افزایش یافته بود. پس از انفجار، سایه یک انسان روی پله‌های ساختمان بانک واقع در فاصله ۲۰۰ متری مرکز انفجار باقی مانده بود به این ترتیب که فردی روی پله‌ها افتاده و خاکستر شده بود، ولی پله‌های زیر بدن او سالم مانده بود، اما در دیگر نقاط پله ، سطح خارجی سنگها ذوب شده بود! تا شعاع ۵۰۰ متری مرکز انفجار ، سرامیک خانه‌ها ذوب و تا شعاع دو کیلومتری لباسهائی که مردم به تن داشتند سوخته بود.

سرعت طوفان اتمی در زیر منطقه انفجار، ۱۶۰۰ کیلومتر بر ساعت یعنی پنج برابر یک طوفان عظیم و فشار هوای ناشی از آن ۳/۵ کیلوگرم بر سانتیمتر مربع بوده است. در نقطه‌ای به فاصله ۵۵۰ متری مرکز انفجار سرعت طوفان حدود یک هزار کیلومتر در ساعت بوده که برای ویران کردن ساختمان‌های بتونی کافی است، و در فاصله ۱۶۰۰ متری، ۳۰۵ کیلومتر در ساعت بوده که ساختمانهای آجری را در هم می‌شکند.

در انفجار، تابش‌های آلفا، بتا، گاما و نوترونی پدید آمده‌اند، البته تابش‌های کم انرژی آلفا و بتا توسط مولکول‌ها جذب می‌شوند و به زمین نمی‌رسند اما تابش‌های گاما و نوترونی تأثیرهای زود هنگام، میان هنگام و دیر هنگام فاجعه باری بر جای می‌گذارند. اگر کسی در پناهگاهی از گرما و موج انفجار در امان مانده باشد، تا شعاع یکصد متر ظرف چند

ساعت و تا شعاع هشت صد متر در کمتر از سی روز در اثر تابش جان می‌بازد. حتی کسانی که در یک‌صد ساعت نخست پس از انفجار به منطقه‌ای به شعاع هشت صد متری مرکز انفجار وارد شده‌اند از تابش‌های ذرات رادیواکتیو پخش شده در محل به شدت آسیب می‌بینند.

به این ترتیب، در اثر بمب فرو افتاده بر هیروشیما تا پایان سال ۱۹۴۵ حدود ۱۴۰ هزار نفر و در فاصله سال‌های ۱۹۴۶ تا ۱۹۵۱ حدود ۶۰ هزار نفر جان باختند. سطح دایره مرگ و نیستی ۳/۵ کیلومتر مربع و سطح ناحیه مجروحین حدود ۷/۵ کیلومتر مربع است، در کل از حدود ۹۰ هزار ساختمان، ۶۰ هزار ساختمان به کلی یا عمدتاً ویران شده بودند و پنج روز زمان لازم بود تا یک واحد از ارتش جاپان (Akatsuki Unit) اجساد را از خیابان‌ها جمع‌آوری کند.

پنج‌شنبه نهم اگست ۱۹۴۵ میلادی، یعنی سه روز پس از بمباران اتمی هیروشیما، یک هواپیمای بی ۲۹ دیگر «جزیره تینیان» را با هدف بمباران شهر صنعتی ککورا ترک کرد. هوا در ککورا تمام ابری و دید بسیار اندک بود. هواپیما سه بار منطقه را دور زد تا دید مناسبی پیدا کند اما فایده‌ای نداشت. نگرانی از کم آمدن سوخت برای گشت‌زدن بیش‌تر روی ککورا خلبان را به سوی دومین هدف از پیش تعیین‌شده خود، یعنی ناکازاکی راهی کرد. ساعت ده و پنجاه و هشت دقیقه صبح هواپیما به ناکازاکی رسید که آنجا نیز هوا ابری و دید اندک بود. اما پس از چهار دقیقه خلبان توانست روزنه‌ای در ابرها بیابد که از آن می‌توانست شهر را زیر پا ببیند. به این ترتیب یک بمب چهار و نیم تنی در بردارنده حدود ۱۰ کیلوگرم پلوتونیم ۲۳۹ که به خاطر بزرگی اندازه آن نسبت به «پسر کوچک» به «مرد چاق» ملقب بود به سوی ناکازاکی رها شد که در ارتفاع حدود ۵۰۰ متری منفجر گشت.



با این که بمب پلوتونیومی به کار گرفته شده در ناکازاکی قدرتی بیش‌تر از بمب هیروشیما داشت، ولی ویرانی و تلفات در آنجا از هیروشیما کمتر بود. هیروشیما یک شهر مسطح است که انفجار بالای مرکز آن رخ داده بود، اما در ناکازاکی تپه‌ای بزرگ، شهر را به دو بخش که در دو دره واقع شده‌اند تقسیم می‌کند. انفجار در بالای یکی از آن دو یعنی دره اوراکامی رخ داده بود. در این دره آسیب‌ها شدید بود اما ضمن این که بخشی از انرژی در بخش‌های خالی از سکنه تپه تلف شده بود، این تپه مانند سپری تا اندازه زیادی از بخش‌های دیگر محافظت کرده بود. بنا بر آمارهای رسمی در اثر انفجار این بمب ۱۱۵۷۴ خانه سوخت، ۱۳۲۶ خانه کاملاً ویران شد، ۵۵۰۹ خانه به شدت آسیب دید و غیر از قربانیان سال‌های بعد، ۷۳۸۸۴ نفر جان باختند و ۷۴۹۰۹ نفر مجروح نیز مجروح شدند.

سرانجام جاپان که در هفتم دسمبر ۱۹۴۱ میلادی، برای از میان برداشتن تهدید ناوگان امریکا در اقیانوس آرام، بدون اعلان جنگ در یکی از بزرگترین حمله‌های تاریخ پایگاه ناوگان امریکا را در پیرل هاربر نابود کرده بود، در ۱۴ اگست دست از جنگ کشید، هیروشیما در پیامی رادیویی در ۱۵ اگست پایان یافتن جنگ را به مردم جاپان اعلام کرد و در دوم سپتمبر ۱۹۴۵ میلادی تسلیم‌نامه جاپان بر عرشه رزن‌امیسوری که از پیرل هاربر جان به در برده بود در خلیج توکیو امضاء شد.

بعدها امریکائی‌ها اعلام کردند که در آن زمان جز آن دو بمبی که به کار برده بودند بمب اتمی دیگری آماده استفاده نداشته‌اند! به هر حال بمب‌های اتمی هیروشیما و ناگازاکی قدرت انفجار هسته‌ای را به جهان شناساندند و این پرسش همیشه باقی خواهد ماند که آیا برای قدرت‌نمایی و پیروزی در جنگ، راهی جز ریختن بمب‌های اتمی هولناک بر سر مردم بی‌گناه و بی‌خبر ناگازاکی و هیروشیما نبود؟!

چندی پیش رسانه‌های امریکائی خبر دادند که امریکا، اولین آزمایش تابستانی بمب جدید هسته‌ای ب ۱۲-۶۱ را پشت سر گذاشته است. این بمب اصلاح نمونه‌ای است که در سال ۱۹۶۰ ساخته شده، اما به اعتقاد کارشناسان روس، چیزی از اهمیت رویداد کم نمی‌کند.

بنا بر گزارش وبسایت اسپوتنیک، به اعتقاد «واسیلی کاشین» کارشناس مطرح نظامی، این دست آزمایشات اقداماتی ضروری هستند. وی در ادامه می‌گوید: «هر سلاح هسته‌ای، ساختاری پیچیده با زمان مصرف محدود است. این سلاح باید به طور مرتب بازتولید و به روز رسانی شود. این سلاح می‌تواند فقط در انبار بماند و اگر بمب طراحی شده باشد، مثل سال‌های ۱۹۶۰، تحقیقات دایم روی آن انجام می‌گیرد و طراحان روی آن کار می‌کنند تا این ساختار پایه را با عناصر تغییر یافته الکترون‌های پایه تکنولوژی رو به تغییر و مواد هماهنگ نمایند. علاوه بر این، برای امریکائی‌ها شاخه مورد توجه در این کار، افزایش طول عمر خدمات مهمات و بالابردن امنیت آن‌هاست. به عبارتی، تلاش اصلی امریکا روی این است که محصول را در شرایط مطلوب نگه دارند. اما تحقیقاتی روی این قضیه انجام نمی‌گیرد و ساخت سلاح‌های جدید اجتناب‌ناپذیر می‌نماید.»

این سؤال پیش می‌آید که بمب‌هائی مثل ب ۱۲-۶۱ به چه کار می‌آیند؟ و هدف اصلی از این آزمایشات چیست؟ الکسی پادبرزکین مدیر مرکز تحقیقات نظامی-سیاسی از دانشگاه روابط بین‌الملل به این سؤال پاسخ می‌دهد. وی می‌گوید: «به هر صورت در سیاست نظامی امریکا هیچ اتفاقی نمی‌افتد. نه تنها برنامه‌های نظری توسعه سلاح‌های هسته‌ای وجود دارند که حتی نیازهای متقابل نظامی-تکنیکی برای آزمایش سلاح هسته‌ای وجود دارد. دلیل این آزمایش در موارد زیر خلاصه می‌شود: ایالات متحده امریکا باید هر طور می‌تواند ظرفیت سلاح‌های با دقت بالا و سلاح اتمی قدرت پائین را توسعه دهد. مهم نیست که این مهمات ستراتیژیک و تاکتیکی چه ماهیتی دارند، زیرا سلاح‌های تاکتیکی می‌توانند وظایف ستراتیژیک را با نابود کردن اهداف ستراتیژیک و به حساب دقت بالای خود انجام دهند. امروز مهمات هسته‌ای قوی لازم نیستند. به خاطر دقت بالای سلاح‌ها، اهداف می‌توانند یا به کمک مهمات معمولی نابود شوند یا با مهمات هسته‌ای ضعیف‌تر.

به گفته این کارشناس: «امریکا برای جنگ بزرگ ابعاد آماده می‌شود، از جمله در نمایش‌های نظامی که تشدید درگیری مسلحانه تحت کنترل است، زیرا ورود به سطح بالاتر استفاده از سلاح‌های قوی‌تر باعث حفظ برتری قاطع قدرت‌ها می‌شود. برای این که ظرفیت استفاده از نیروهای مسلح در سطح پائین درگیری‌های نظامی حفظ شود، امریکا نیاز به سلاح‌هایی دارد که زمانی برای جنگ در اروپا طراحی شده‌اند، یعنی مهمات تاکتیکی و حتی هسته‌ای. این کار برتری امریکا را در شاخه‌های مختلف نظامی و از جمله در جنوب شرق آسیا در صورت بروز درگیری با چین، حفظ می‌کند. مسأله فقط در شلیک راکت‌هائی به مبلغ ۱۰۰ میلیون دالر به اهداف ۱ میلیون دلاری نیست. نباید از مهمات هسته‌ای ستراتیژیک در جنگ‌های محلی و منطقه‌ای استفاده کرد. این کار برای هر دو طرف خطر دارد. ظاهراً نه امریکا و نه چین تمایلی به درگیری محلی و ورود به جنگ هسته‌ای جهانی ندارند. اما، خطر در این است که نمی‌توان پیش‌بینی کرد یک درگیری نظامی مثلاً درگیری در دریای جنوب چین یا درگیری به خاطر تایوان، چطور بسط و توسعه پیدا می‌کند.»



در چنین شرایطی، ضروریست که افکار عمومی مردم جهان، نه تنها علیه ساخت و تولید بمب اتمی و دیگر بمب‌های خطرناک کیمیائی و غیرکیمیائی در سطح جهان باشند، بلکه باید همهٔ بمب‌های اتمی نیز نابود شوند!

یاد همه جان‌باختگان ناکازاکی و هیروشیما گرامی باد!

جمعه شانزدهم مرداد [اسد] ۱۳۹۴ - هفتم اگست ۲۰۱۵